مجلهٔ زبانشناسی

سال پانزدهم، شمارهٔ دوم
پاییز و زمستان ۱۳۷۹

پیاپی ۳۰

۱۲۰ صفحه

۵۰۰ تومان

چند شعر به زبان کرجی، تبریزی و غیره

علی‌اشرف صادقی

چندی پیش کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی مجموعهٔ بسیار نفیسی را که مشتمل بر حدود ۲۰۰ رسالهٔ کوچک و بزرگ است خریداری کرد. این مجموعه در نیمهٔ اول قرن هشتم در آذربایجان نوشته شده است. در آخر نسخه‌ای از لغت‌فرس اسدی که در ورقهای ۳۰۷ الف تا ۳۱۲ ب آمده تاریخ ۷۲۱ با عبارت زیر دیده می‌شود: «... ضحوة یوم احد ۲۲ جمادی‌الاخرة ۷۲۱ بمقام سهند یدعی بالفارسیة آب‌رودان‌سر والشمس‌اذ ذاک فی‌اوائل برج‌الاسد» و آخرین تاریخی که در مجموعه آمده ۷۳۶ است. کاتب مجموعه شخصی به‌نام محمدبن‌مسعودبن‌مظفر است. بعضی از رساله‌های مجموعه عبارت‌اند از کتاب‌الهدایه‌فی‌اصول‌الفقه، کتاب انتخاب سامی فی‌علم‌اللغة، کتاب منظوم فی‌العروض‌والقوافی از ابن‌حاجب، مناظرهٔ سرود و آب از نظام‌الدین اصفهانی، چند مناظرهٔ دیگر و غیره. بسیاری از رساله‌های این مجموعه از شخصی است به‌نام امین‌الملة والدین ابوالقاسم‌الحاج بلّه. این شخص مطابق آنچه در ورق ۳۴۰ ب آمده در سال ۷۲۰ در دمشق درگذشته است. از جمله رساله‌های کوتاه مجموعه که از ورق ۳۴۰ ب به بعد آمده رساله‌ای است به‌نام کتاب فی‌طریق‌الآخره که از همین حاج بلّه است. در این رساله مقداری شعر به لهجه‌های محلی غرب ایران آمده است. از این اشعار پنج بیت دارای عنوان **اورامنان** و سه بیت دارای عنوان **شروینان**، دو بیت به زبان کرجی و چهار بیت به زبان تبریزی است.

نگارنده در جای دیگر سه بیت شروینان را نقل کرده و دربارهٔ آنها و در باب کلمهٔ اورامنان به تفصیل بحث کرده است.[1] در اینجا به نقل بقیهٔ اشعار با مختصر توضیحی می‌پردازد.

۱. رک. یادنامهٔ دکتر احمد تفضلی (زیر چاپ).

زبان کرجی

کهان اره میزره بونکشت کجی نرسی   بپای کیجی دنشو کهان اره بوللکا
۲ غلام کیخسرو می که نکش اندشه بکه   اجینی میانه بورب بهی تنش کالاره‌وا

زبان تبریزی

دَچان چوچرخ نکویت مو[1] ایر رهشه مهر[2] دورش
چوش دُ کارده شکویب ولول ودارد شرتوه
۴ نری بقهر اره میر دون جو بور زون و هنرمند
پروکری انزونون منی که آن هزیوه
اگر بحث ورامروکی چرخ هانزموتی
ززور منشی چو بخت اهون قدریوه
۶ نه حرخ اسه نبوتی نه روزو ورو قوتی
زوم چو واش خلیوه زمم حو بورضی ریوه

اورامنان

بله چه سوری انوته دیر وانی   ورده کو زنج دشوار زاهان

اورامنان

۸ بچوبان تجرتنی منده آهرو   اَج وَل رنک و اج و انوشه نو
متر بکرته چوبان در و دشت   نه او شله وزی نه خوردمی شو

اورامنان

۱۰ بتندم والوا با دل برنجیر   دمهراج ناره‌ان‌بهررت اج ویر
زانک واری نادان ش نشانست   مرز اوی مرزوانان هیز اوی هیز

توضیحات

از زبان کرجی در اینجا منظور کرج ابودلف است که امروز به آستانه شهرت دارد و در ۳۶ کیلومتری جنوب اراک قرار گرفته است. بیت دوم این اشعار با ضبطی متفاوت در تسلیة‌الاخوان عطاملک

۱. مر نیر خوانده می‌شود.

۲. اصن منتی

جوینی (ص ۴۷) نیز آمده و زبان آن پهلوی دانسته شده است. در این کتاب این شعر به کافی ظفر کرجی نسبت داده شده است. حمدالله مستوفی (۹ـ۱۳۳۶: ۷۴۶) در شرح حال کافی کرجی می‌نویسد: «... ابوالفرج احمدبن‌محمد، مداح مجدالدین علاءالدولهٔ همدانی بود، به اول فترت مغول درگذشت، به زبان کرجی اشعار خوب دارد». مستوفی سپس شش بیت از اشعار او را به زبان کرجی نقل می‌کند (مستوفی، ۷۴۷). ضبط تسلیة‌الاخوان از بیت مورد بحث چنین است:

غلام کیخسرو می که نیکش اندیشه بکا　　ازی میانه بورت سحرمش[1] کاله ورا[2]

از عبارت جوینی که می‌نویسد: «وکافی ظفر کرجی به زبان پهلوی خوش گوید» برمی‌آید که او معنی این شعر را کاملاً درمی‌یافته که به آن استناد کرده است. بنابراین ضبط او نسبت به ضبط مآخذ ما ارجح به‌نظر می‌رسد. این نکته را وزن مصراع دوم که در ضبط جوینی با وزن مصراع اول یکسان است نیز تأیید می‌کند. در بیت اول کهان به‌معنی «جهان» است، اما معنی و ضبط کلمات اره، سزره، بکشت معلوم نیست. کیحی به احتمال قریب به یقین تصحیف کیجی به‌معنی «کسی» است. در مصراع دوم کلمهٔ اره تکرارشده و معنی للکا نیز معلوم نیست. معنی بیت: «جهان ... باشد به ... کسی نرسی ـ به پای کسی در نشو، جهان ... باشد ... ». معنی مصراع اول بیت دوم روشن و بدین شرح است: «غلام کیخسرو هستم که اندیشهٔ نیک کرد.» صورت دیگر بکا در جوینی بکه است و ظاهراً او این کلمه را به تلفظ رایج در پیرامون خود درآورده است. بکه با ـِش سوم شخص مفرد ماضی سادهٔ فعل کردن است. معنی و ضبط کلمات مصراع دوم بیت دوم متأسفانه روشن نیست.

معنی ابیات تبریزی متأسفانه به‌کلی نامعلوم است و تنها بعضی از کلمات آنها را می‌توان تشخیص داد.

در بیت هفتم بله ظاهراً اشاره به‌نام مؤلف رساله، حاج‌بلّه است. اگر این حدس درست باشد این شعر از خود او است. سوری ظاهراً به معنی «سودی» است. انو احتمالاً همان کلمهٔ فارسی میانهٔ anōh به‌معنی «آنجا» است. اگر وانی را تصحیف یا تبدیل مانی بدانیم و معنی پیشنهادی سایر کلمات درست باشد معنی مصراع چنین است: «بلّه چه سودی که تو آنجا دیرمانی؟» سایر کلمات مصراع دوم بجز کلمهٔ دشوار مشخص نیستند. در بیت هشتم احتمالاً کلمهٔ منده مبدل مانده است، اما ضبط و معنی سایر کلمات روشن نیست. در مصراع دوم وانوشه به معنی «بنفشه» و معنی مصراع چنین است: «از گل رنگ و از بنفشه بو»

---

۱. در سه نسخهٔ دیگر کتاب بجرمقش، بجرمیش، بجرمنس

۲. در نسخهٔ دیگر: ودا

در مصراع اول بیت نهم مُنِ ظاهراً مبدل منت (= من + سـَ ت) است. ت‌های بعد از مصوت در زبان پهلوی آذربایجان به ر بدل می‌شده است. اما یکرته در همان‌جا به دشواری می‌تواند همان یکردهٔ فارسی باشد. یان همان کلمهٔ جان و معنی در و دشت نیز روشن است، اما ضبط و معنی واژه‌های مصراع دوم روشن نیست. در بیت دهم ظاهراً آخرین حرف قافیه را است، اما در مصراع چهارم کلمهٔ قافیه به شکل هز ضبط شده که باید غلط باشد. معنی این دو بیت به هیچ وجه روشن نیست و تنها بعضی کلمات آن قابل‌تشخیص است. (دمهر در مصراع دوم بیت دهم یعنی «در مهر» و معنی مصراع آخر ظاهراً چنین است: «مرز بی‌مرزبانان . . . بی . . .»).

کتابنامه

جوینی، عطاملک، ۱۳۶۱. تسلیة‌الاخوان. به کوشش عباس ماهیار، تهران، گروه انتشاراتی آباد.
مستوفی، حمدالله، ۹ـ۱۳۳۶. تاریخ گزیده. به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران، امیرکبیر.